

مطالعه‌ی ویژگی‌های تاریخی، هنری و سبک‌شناسی

کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین (دوره‌ی قاجار)

کیانوش معتقدی

پژوهشگر هنرهای ایرانی-اسلامی

چکیده

بی‌شک، قزوین یکی از مهم‌ترین مراکز خوشنویسی و کتیبه‌نگاری ایران در دوران اسلامی است و وجود نمونه‌های متعدد و ممتاز از کتیبه‌های خوشنویسی باقی مانده (از روزگار سلجوقیان تا پایان عهد قاجار) در بناهای مختلف این شهر خود گواهی بر این مدعاست. در همین زمینه و بر اساس پژوهش‌های میدانی نگارنده، در زمینه‌ی تاریخچه و گونه‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق در ایران، کتیبه‌های سنگی سردر بناهای شهر قزوین که در عهد قاجار تهیه و نصب شده‌اند، از نظر عیار خوشنویسی (ترکیب‌بندی حروف و کلمات)، کیفیت انتقال خط و گرت‌برداری، همچنین شیوه‌ی حجاری از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های موجود ایران از دوره‌ی قاجار به‌شمار می‌آیند.

در این فرصت، با بررسی و معرفی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر شش بنای شاخص شهر قزوین از دوره‌ی قاجار شامل: مسجدالنبی (۱۲۲۳ ه.ق)، مسجد-مدرسه سردار (۱۲۳۱ ه.ق)، آب‌انبار حاج‌کاظم (۱۲۵۶ ه.ق)، حمام صفا (۱۲۵۹ ه.ق) و مسجد سبز (۱۲۶۳ ه.ق)، آب‌انبار خسان (۱۲۸۵ ه.ق)، و بیست‌و‌هفت‌گانه‌ی تاریخی، هنری و محتوایی این کتیبه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و علاوه بر شناسایی بانیان، معماران، خوشنویسان و حجاران کتیبه‌های قزوین، سبک کتیبه‌نگاری نستعلیق خوشنویس برجسته این دوران «ملک‌محمد قزوینی»^[۱] را بر اساس نمونه‌های موجود بررسی خواهیم کرد.

۱- برای مطالعه‌ی زندگی و آثار ملک‌محمد قزوینی، رک: نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۵) مرقع دلگشا، نشر پیکره.

مقدمه

معماری و هنرهای وابسته به آن در ایران (دوره‌ی اسلامی) از پیشینه‌ای طولانی و با زنده‌گی مردم پیوند نزدیکی داشته است. در همین راستا یکی از مهم‌ترین عناصر اصلی بنسراها، ورودی‌ها و سردرهاست، کسسه عموسوماً از ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسی (نسبت به دیگر اجزاء ساختمان) برخوردارند.

از طرفی با توجه به رشد و توسعه‌ی ساخت‌وساز بنسراها‌ی عمومی در عهد قاجار، معماری ایران و تزئینات وابسته به آن، از تنوع سبکی و کثرت در مواد و مصالح نسبت به دوره‌های افشاریه و زندیه بهره‌مند شد، که مطالعه‌ی ویژگی‌های هنری و گفتمان حاکم بر زیبایی‌شناسی و سلیقه‌ی سازندگان و حامیان این بناها از چشم‌اندازهای گوناگونی هم‌چون ساختار معماری، کارکرد نحو و فضا، مدیوم‌های مختلف در تزئینات داخلی و خارجی، مبانی طراحی در کاشی‌کاری، حجاری سنگ و بالاخره توسعه‌ی کتیبه‌نگاری در قلم نستعلیق قابل مطالعه است. آن‌چنان‌که این شناخت گامی مؤثر در کسب آگاهی از علل و عوامل شکوفایی یا افول معماری و هنرهای وابسته به آن خواهد بود.

شایان ذکر است کتیبه‌های نستعلیق به‌عنوان یک اثر هنری از زاویای گوناگونی نیز قابل بررسی هستند. نخست بخشی از یک فضای معمارانه و با کارکردی تزئینی (دکوراتیو) و هم‌چنین حامل پیامی مذهبی، ادبی و یادمانی. این برداشت



از کتیبه‌ها همان تعریف معمول (حبیب‌الله فضایی) است که اکثر پژوهشگران نیز بر آن وفاق داشته و عبارت است از: «کتیبه یا کتابه در معماری به نوشته‌ای اطلاق می‌گردد که بر سردر بناها یا در مدخل ورودی قرار می‌گیرد و عموماً حاوی آیات، احادیث، نام بانی، خوشنویس، کاشیکار، حجار و ماده‌ی تاریخ ساخت کتیبه یا بناست. این فرم که در آغاز اسلام تنها مفهومی کاربردی داشت، رفته‌رفته فرمی تزئینی و جنبه‌ای هنری پیدا کرد. مضافاً به این‌که کتیبه‌های سردر بناها ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی دارند و بازگوکننده هویت و شخصیت بانیان و سازندگان بنا هستند. کتیبه به مثابه یک اثر مستقل خوشنویسی و بدون در نظر گرفتن محل نصب و ارتباط و کارکردش در نمای خارجی یا داخلی یک بنای عمومی نیز قابل مطالعه هستند، آن‌چنان که می‌توان سبک و عیار نگارش، شیوه‌ی ترکیب‌بندی و چیدمان حروف و کلمات، کاتب و خوشنویس اثر، مواد و مصالح سازنده (کاشی، گچ، چوب یا سنگ) و میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها در سیر تحولات کتیبه‌نگاری ایران را مورد شناسایی و بررسی قرار داد.

همچنین وجود نمونه‌های ممتاز و متعدد کتیبه‌های نستعلیق از دوره‌ی قاجار، از جنبه‌های چون متن و محتوای کتیبه‌ها، تزئینی بودن، ترکیب‌بندی و کیفیت خط قابل مطالعه و تجزیه و تحلیل هستند. چراکه علاوه بر تنوع در شیوه‌های اجرایی، در مقایسه با دیگر عناصر تزئینی موجود در یک فضای معمارانه، گاهی بازتاب‌دهنده‌ی شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان نیز هستند. با این همه موضوع کتیبه‌های دوره‌ی قاجار و علت فراگیر شدن قلم نستعلیق - به‌عنوان خطی با هویتی کاملاً ایرانی، خوانا و تأثیرگذار - در کار کتیبه‌نگاری این دوران اهمیت فراوانی داشته و نیاز به واکاوی دارد.

در همین زمینه و از جمله علل و عوامل مؤثر در انتخاب قلم نستعلیق به‌عنوان خط اصلی کتیبه‌نگاری بناهای دوره‌ی قاجار می‌توان به چهار مورد زیر اشاره کرد:

۱- در این دوران گفتمان غالب در فضای فرهنگ و هنر عهد قاجار، گفتمان اصالت و بازبانی هویت ایرانی در مقابل تأثیر و نفوذ هنر غرب بود و خط نستعلیق نمادی از این هویت ملی به حساب می‌آمد.

۲- ایجاد هماهنگی در شکل و محتوا؛ رواج و توسعه انواع صنایع ادبی و به‌خصوص شعر (در میان مردم و همین‌طور دربار) و همگامی آن با ورود اندیشه‌های نو در حوزه‌ی ادبیات باعث شد تا متن بسیاری از کتیبه‌های یادمانی ایران نیز در قالب اشعار فارسی و به خط نستعلیق نوشته شود.

۳- حضور و ظهور خوشنویسان برجسته و صاحب سبک در عرصه‌ی نستعلیق‌نویسی دوره‌ی قاجار که در انواع قلم‌ها (کتابت و کتیبه) منشأ تحولات اساسی و نوآوری‌های چشم‌نوازی بودند.

۴- هماهنگی ساختار هندسی خط با معماری و رهایی خوشنویس

در ترکیب و چیدمان حروف و کلمات (بر روی کرسی‌های موازی) و شکستن قالب‌های رایج و صدمت سهولت در خوانش نستعلیق برای عموم مردم.

در دوران قاجار، قزوین در نزدیکی پایتخت و یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی ایران بود و به‌واسطه‌ی علاقه‌ی حاکمانش (که از میان شاهزادگان سیاست‌مدار انتخاب می‌شدند) و توجه خاص شاهان قاجار به این شهر، عمارات و بناهای عام‌المنفعه متعددی در آن بنا گردید، که در بیشتر موارد دارای کتیبه‌های نستعلیق یادمانی بودند.

نگاهی به تحولات کتیبه‌نگاری نستعلیق (از صفویه تا پایان قاجار)

هنر ایران هنر تزئین است و به همین علت در معماری ایرانی علاقه به ایجاد سطوح تزئینی و کتیبه‌های خوشنویسی (به طوری که کلیه‌ی اجزاء با کل ساختمان هماهنگ باشند) همواره وجود داشته است. از سوی دیگر و پس از اسلام هنر خوشنویسی، به یکی از اصلی‌ترین سرچشمه‌های هنرهای ایرانی-اسلامی و شاخص‌ترین ویژگی بصری تمدن اسلامی بدل گردید.

خط و خوشنویسی از همان سده‌های آغازین علاوه بر کتابت مصحف و کتب، به طور همزمان در تزئین انواع آثار هنری، کاربردی (سفال، فلز، پارچه، فرش و...) و بناها مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. به همین خاطر کتیبه‌نگاری به دفعات در تزئینات داخلی و خارجی بناها کاربرد یافت. از میان انواع خطوط شش‌گانه، کوفی و ثلث به دلیل ساختار هندسی، فرم و جنبه دکوراتیو-بیش از دیگر خطوط تا سده‌ی نهم هجری در کار کتیبه‌نگاری مورد استفاده قرار گرفتند. اما به‌واسطه‌ی تلاش خوشنویسان ایرانی در طول بیش از یک سده و تکوین خط کاملاً ایرانی «نستعلیق»، استفاده از این خط در عرصه‌ی کتیبه‌نگاری بناها، سنگ‌مزارات و وقف‌نامه‌ها در سراسر جغرافیای فرهنگی ایران و سپس شبه‌قاره‌ی هند و عثمانی مرسوم گردید و به سرعت توسعه یافت.

براساس نمونه‌های مکشوفه و مستندات تاریخی شاید بتوان ورود خط نستعلیق به عرصه‌ی کتیبه‌نگاری بناها و سنگ‌مزارات ایران را دهه‌های میانی سده‌ی نهم هجری پیگیری کرد، که همزمان بود با تثبیت این خط در عرصه‌ی کتاب‌آرایی ایرانی.

یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های خط نستعلیق در کتیبه‌نگاری نستعلیق که تا به امروز شناسایی شده متعلق به کتیبه‌ی ورودی غربی مقبره‌ی شاه‌نعمت‌الله‌ولی (۸۴۰ ه.ق) در ماهان کرمان است، که نخستین بار توسط علی‌رضا هاشمی‌نژاد^۱ معرفی شد. پس از آن نیز کتیبه نستعلیق سنگی در مزار خواجه‌عبدالله انصاری در هرات به خط «سلطانعلی مشهدی» (۸۸۲ ه.ق) که حمیدرضا قلیچ‌خانی آن را معرفی کرده، (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲، ۵۱۱) نشانه‌ای روشن از متداول بودن خط نستعلیق در کتیبه‌نگاری ایران در روزگار تیموریان است.

با آغاز عهد صفوی (تحت حمایت دربار و شخص شاه‌طهماسب)

۲- رک: هاشمی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۴) «معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق»، مطالعات ایرانی، ش ۷، صص ۸۵۱-۲۴۵.



تصویر شماره ۱: نمونه‌هایی از کتیبه‌های نستعلیق بناهای قزوین از دوره‌ی صفوی (تصویر از نگارنده)

این مسیر ایجاد شده را تغییر دهد. شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران نزدیک به یک سده و در روزگار بی‌ثباتی و ناآرامی، منجر به ظهور دوره‌ای گردید که اندیشه‌اش دگرگونی و تحول در تمامی عرصه‌ها بود. تاریخ معماری ایران نیز بر این گواه است که پس از اوج معماری صفوی دوران بالندگی و نوآوری از حرکت ایستاد. نادرشاه هم به دلیل شرایط سیاسی کشور هیچگاه نتوانست حامی معتبری در توسعه هنر و معماری باشد و تنها بنای بازمانده از او، کاخ خورشید در کلات، آشکارا خارج از نفوذ سنت معماری صفویه ساخته شد. (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲) کریم‌خان زند هم با وجود آنکه به میراث صفوی اهمیت می‌داد، تنها توانست حامی بخش اندکی از روند روبه رشد معماری و کتیبه‌نگاری ایران (در شیراز) پس از چند دهه خاموشی باشد. با آغاز حکومت قاجار یا به طور دقیق‌تر با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق) گویی سیاست فرهنگی کشور از نو پایه‌ریزی شد و شاید بتوان بازگشت به دوران شکوه از دست‌رفته‌ی معماری و تزئینات وابسته‌ای چون کتیبه‌نگاری نستعلیق را در میان بناهای روزگار فتحعلی‌شاه سراغ گرفت. در این روزگار گفتمان غالب در بخش فرهنگ و هنر ایران، گفتمان تدوام و احیای شکوه هنر صفوی و باستان‌گرایی (بازگشت به زیبایی‌شناسی و عناصر تزئینی در پیش از اسلام) بود، هرچند در میانه راه عناصر فرنگی نیز وارد مبانی طراحی ایرانی شدند. نتیجه‌ی این رویکرد، برپایی دوباره‌ی کارگاه-کتابخانه‌ی سلطنتی (در تهران) و احیای برخی هنرهای از یاد رفته چون میناکاری (روی جواهر)، تکنیک زرین‌فام در کاشیکاری و حجاری تصویری (پرتره‌نگاری) در سراسر ایران بود.

و پس از انتخاب قزوین به‌عنوان پایتخت، نمونه‌های ارزشمندی از کتیبه‌های نستعلیق برای بناهای این شهر تهیه گردید: کتیبه‌های نستعلیق گچ‌بری عمارت دولت‌خانه‌ی صفوی (سردر عالی‌قاپو) و کاخ چهلستون قزوین احتمالاً به خط «مالک‌دیلمی»^[۳] (حدود ۹۶۵ ه.ق)، کتیبه نستعلیق در چوبی امام‌زاده شاهزاده‌حسین (ع) قزوین از دوره‌ی شاه‌طهماسب، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مدرسه‌ی پیغمبریه‌ی قزوین به خط «شفیع بن عبدالجبار» (۱۰۵۴ ه.ق)، کتیبه‌ی نستعلیق کاشیکاری ایوان جنوبی مسجد جامع قزوین (۱۰۶۹ ه.ق) به خط «حاجی محمدصالح مذهب قزوینی» از دوره‌ی شاه‌عباس دوم و ایوان غربی به خط «کاوس مصور» (۱۰۸۱ ه.ق)، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی آب‌انبار مسجد جامع (کبیر) به خط «علاء‌الدین قزوینی» (۱۰۹۳ ه.ق) از دوره‌ی شاه سلیمان صفوی، دیگر کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مدرسه‌ی پیغمبریه (۱۱۵۰ ه.ق) با مضمون تعمیرات از سوی مولودری بیگ. گفتنی است روند استفاده از کتیبه‌های نستعلیق در دوره‌ی صفوی را در دیگر شهرها (هم‌چون اصفهان به خط محمدصالح و میرعماد) نیز می‌توان مشاهده کرد.

اما پس از انقراض دولت صفوی، سیر نزولی در هنر و در شکل کلی‌تر گام‌های عقب‌افتادگی در جامعه‌ی ایران آغاز شد و آمدن و رفتن سلسله‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه هیچ‌گاه نتوانست

۳- مولانا مالک دیلمی قزوینی (وفات ۹۶۹ ه.ق) از خاندان خوشنویس و شیعه قزوین، که در روزگار صفویه کتیبه‌های فراوانی را در قزوین نگاشته بود، از جمله کتیبه‌های کاخ و ایوان چهلستون، کتیبه ورودی باغ سعادت‌آباد که مدخل عمارت شاهی بود. (گلستان هنر، ۹۶: ۹۴) و عالم‌آرای عباسی، ۱۲۸)





تصویر شماره ۲: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد النبی قزوین، ۱۲۲۳ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)

علی نقی میرزا پسر فتحعلی شاه بر قزوین انجام پذیرفته است. (تصویر شماره ۲)

لازم به ذکر است که در میان کتیبه‌های این بنا، دو نمونه‌ی دیگر از کتیبه‌نگاری نستعلیق بر روی کاشی هفت‌رنگ نیز موجود است، که در سردر شمالی مسجد نصب شده و علاوه بر نام فتحعلی شاه، حاوی نام کاتب «محمد طاهر خوشنویس» و ماده‌ی تاریخ ۱۲۲۲ هـ.ق است. همچنین کاشی کتیبه‌ای نیز با حدیث مدینه‌علم و ماده تاریخ ۱۲۱۰ هـ.ق نیز مشاهده می‌شود.

گفتنی است کتیبه‌های مسجد النبی قزوین، به لحاظ تاریخی جزو قدیمی‌ترین کتیبه‌های نستعلیق از دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار در قزوین به‌شمار می‌آیند.^[۱۵]

کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد-مدرسه سردار قزوین (۱۲۳۱ هـ.ق)

بنای مسجد-مدرسه‌ها در ایران نوعی فضای معماریست که دارای کارکرد همزمان آموزشی و مذهبی است و فضاهای موجود در آن نیز از در بیشتر موارد از اهمیت یکسانی برخوردارند. با تأملی بر نقشه این نوع مدارس مذهبی ایران در دوره‌ی قاجار، می‌توان نتیجه گرفت که پلان و ساختار متنوعی در گونه‌های مختلف قابل شناسایی و مطالعه است، اما سبک تزئینات وابسته به معماری با توجه به اقلیمی که در آن قرار گرفته‌اند از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند.

۵- علاوه بر کتیبه نستعلیق سنگی مسجد النبی، نمونه‌های دیگری از کتیبه‌های سنگی نستعلیق در آب‌انبارهای قزوین همچون: آب‌انبار حاج ملاآقا (۱۲۰۶ هـ.ق)، آب‌انبار پنج‌علی (۱۲۲۴ هـ.ق)، آب‌انبار لادو (۱۲۲۴ هـ.ق)، آب‌انبار سردار (۱۲۲۹ هـ.ق)، آب‌انبار حاجی بابا (۱۲۳۵ هـ.ق) نصب بوده که متأسفانه بدلیل عدم توجه به اهمیت این آثار ملی، در سال‌های اخیر از بین رفته‌اند.

اما شاید مهم‌ترین دستاورد این دوران که در عهد ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ.ق) به اوج شکوفایی خود رسید، توسعه‌ی خوشنویسی و کتیبه‌نگاری در قلم نستعلیق بود. به طوری که در همین دوران جرقه‌های شکل‌گیری شیوه‌ای نو را در نستعلیق شاهد هستیم که هرچند تحولی اساسی نبود، اما بیانگر خلاقیتی بود که اوج آن شیوه را در آثار (سیاه مشق و سطر نویسی) «میرزا غلامرضا اصفهانی» (هاشمی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۵) و «میرحسین» می‌توان مشاهده کرد. شایان ذکر است میرزا غلامرضا و «محمد ابراهیم تهرانی (میرزا عمو)» خالقان نمونه‌های فاخری از کتیبه‌نگاری نستعلیق در تهران و ری بودند، البته سبک دیگر این دوران که در خارج از پایتخت شکل گرفته بود به دست «ملک محمد قزوینی» و بر اساس شیوه‌ی خاصش شکل گرفت.

معرفی شش کتیبه‌ی ممتاز نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین (دوره‌ی قاجار)

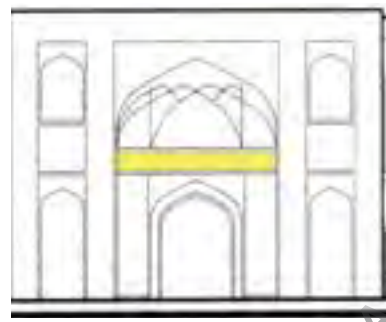
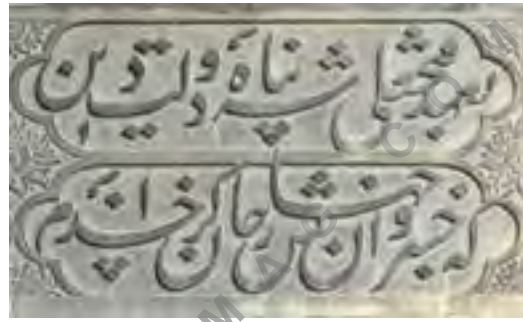
تعداد کتیبه‌های نستعلیق بازمانده در قزوین (دوره‌ی قاجار) بسیار فراوان بود، اما پس از زلزله‌ی قزوین (۱۲۹۳ هـ.ق)، متأسفانه تعدادی از آن‌ها تخریب شدولی ساخت و سازهای غیر اصولی و سرقت کتیبه‌ها در چند دهه اخیر، خوشبختانه هنوز نمونه‌های قابل توجهی به لحاظ عیار بالای خوشنویسی و اجرا (روی کاشی، گچ و سنگ) باقیست، که در این فرصت تنها به شش مورد (سنگی) شاخص از میان آن‌ها که از جنبه‌های گوناگون (یادمانی، تاریخی، محتوایی و عیار بالای خوشنویسی و حجاری) قابل مطالعه هستند، خواهیم پرداخت:

کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد النبی قزوین (۱۲۲۳ هـ.ق)

مسجد النبی (مسجد شاه) قزوین از جمله بزرگترین مساجد این شهر از دوره‌ی قاجار است، که هم به لحاظ معماری و عناصر زیبایی‌شناسانه و هم خلاقیت در فضا سازی و تنوع کتیبه‌های خوشنویسی بسیار قابل تأمل است. این مسجد از گونه مساجد چهار ایوانی ایران است و در جانب شمالی دارای جلوخانی طولانی، عریض و صحن وسیع مرکزیست. از میان کتیبه‌های متعدد این بنا، یک سنگ یادمانی به خط نستعلیق ممتاز موجود است که در سردر دیوار جنوبی، ورودی شمالی مسجد النبی قرار دارد و محتوای آن امر بازسازی (ساخت) این مسجد به فرمان فتحعلی شاه قاجار و دارای ماده تاریخ ۱۲۲۳ هـ.ق (زمان اتمام بنا)^[۱۶] است. متن کتیبه با آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جن آغاز می‌شود و در ادامه‌ی دستور ساخت مسجد از سوی فتحعلی شاه آمده است. (گلریز، ۱۳۶۸: ۵۸۷)

با وجود آنکه رقم خوشنویس و حجار این قطعه سنگ مرمر مشخص نیست، بنا به کیفیت خط و دقت نظر حجار در انتقال و اجرای آن به نظر می‌رسد که هردو هنرمند از جمله هنرمندان طراز اول این عرصه بوده باشند. تاریخ کتیبه نشان می‌دهد این تجدید بنا در زمان حکمرانی

۴- ماده تاریخ این کتیبه به صورت معکوس و آئینه‌وار از راست به چپ نوشته شده و نقطه کلمه «سنه» نیز در میان آن بیننده را به اشتباه می‌اندازد و احتمالاً به همین دلیل نویسنده‌ی کتاب مینورده به اشتباه عدد آن را ۱۲۰۲ هـ.ق خوانده، که با دوران حکومت فتحعلی شاه نیز مغایرت دارد.



تصویر شماره ۱: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد-مدرسه سردار قزوین، کاتب: شیخ محمدعلی ابن شیخ عبدالرحیم، ۱۲۳۱ هـ.ق. (تصویر از نگارنده)

رقم زد از پی سال عمارتش خازن/اساس کعبه دین گشت زین بنا محکم
(۱۲۳۱ هـ.ق)

لازم به ذکر است، در داخل این بنا نیز کتیبه نستعلیق کاشی کاری
(دورن‌ادور حیاط مرکزی با عیاری متوسط) با ماده تاریخ ۱۲۳۳ هـ.ق
موجود است، که اخیراً مرمت شده و نام کاشی کار این کتیبه «استاد
علی اصغر کاشی‌پز» دوبار در انتهای متن کتیبه قابل مشاهده است.

کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب‌انبار حاج کاظم قزوین (۱۲۵۶ هـ.ق)

آب‌انبار حاج کاظم یکی از زیباترین و شگفت‌انگیزترین آب‌انبارهای
ایران از نظر سبک معماری و تزئینات کتیبه‌ای است. این آب‌انبار که
در محله‌ی مغلواک (خیابان تبریز) قزوین قرار دارد، دارای دو بادگیر
و تزئینات آجرکاری و کتیبه‌های کوفی معقلی آجری بر روی بدنه بیرونی
بناست. اصلی‌ترین ویژگی تزئینات این بنا، کتیبه‌ی نستعلیق سنگی
سردر ورودی آنست که به لحاظ ترکیب‌بندی و عیار خوشنویسی و
کیفیت بالای حجاری، نمونه‌ای کم‌نظیر در کتیبه‌نگاری ایران در دوره‌ی
قاجار به‌شمار می‌رود.

شایان ذکر است، بانی این بنا حاجی کاظم کوزه‌گر بوده که به دستگیری
حاجی اسماعیل ابن آب‌انبار را در سال ۱۲۵۶ هـ.ق ساخته است.
مهندس و معمار بنا شخصی بنام «محمد رضا»، کاتب «میرزا کاظم
قزوینی»^[۷] و حجار «استاد عابدین» است. (تصویر شماره ۴)

متن کتیبه سنگی سردر آب‌انبار حاج کاظم قزوین به شرح زیر است:

خیر خلق خدای هرکس را شد چو مهر کوز فطرت خواطر
آن‌کنند در مراتب خیرات کش بود رحمت خدا کیفر

مسجد-مدرسه سردار قزوین از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های ایران از
عهد قاجار است که به لحاظ تزئینات وابسته به معماری (کاشی کاری
و کتیبه‌نگاری نستعلیق) و سبک ویژه‌ی معماری و پلاننش (ادغام
کاربری مسجد و مدرسه) بسیار معروف و شناخته شده است. این بنا
به سفارش «حسن خان و حسین خان سردار»، از امرای فتحعلی‌شاه
قاجار-در دوران حکمرانی محمدعلی میرزا پسر فتحعلی‌شاه بر قزوین-
در نزدیکی بقعه‌ی امامزاده سلطان سید محمدبن جعفر الصادق ساخته
شده است. نکته‌ی جالب‌توجه در خصوص تزئینات سردر ورودی
این بنا، وجود کتیبه‌ای سنگی به خط نستعلیق ممتاز در دو سطر و
کیفیت بالای حجاری آنست. (تصویر شماره ۳) خوشنویس این اثر «شیخ
محمدعلی ابن شیخ عبدالرحیم» و ماده تاریخ کتیبه ۱۲۳۱ هـ.ق
است. متن کتیبه‌ی شعری فارسی درباره‌ی ساخت این بنا در روزگار
حکومت فتحعلی‌شاه قاجار است. متن کتیبه سنگی سردر مسجد-
مدرسه سردار به شرح زیر است:

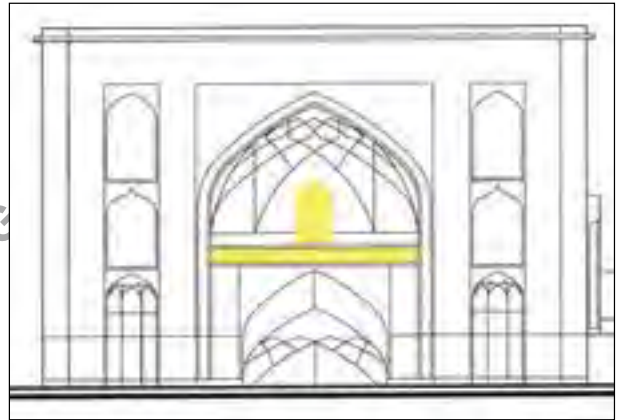
بعهد فتحعلی‌شاه پناه دولت و دین / که خسروان جهانیش ز چاکران خدم
حسینخان و حسنخان دوشیردل سردار / که شیر چرخ‌کنند از نهیب ایشان رم
دوارچمن‌دبرادر دونا مدار امیر / که وقت جود‌گذازد ز رشکشان حاتم
دو کامیاب دلاور دوشیرگیر دلیر / که روز جنگ گریزد ز چنگشان رستم
خجسته‌مدرسه دلگشا بنا کردند / که دلکش است و فرح‌بخش همچو باغ ارم
ملک شهید ز شهر بدر گهش جاروب / فلک نموده بتعظیم گنبدش قدخم
بنغمه‌های حزین صبح و شام می‌نالد / از شوق گوشه‌بامش کبوتران حرم
تبارک‌الله از ادراک فهم طلابش / که نیست مسئله در ضمیرشان مبهم
دو صد بیان بعباراتشان بود مضمیر / دو صد شفا با اشاراتشان بود مدغم
ز فیض ابر افادتشان به فقه و حدیث / ریاض گلشن شرع نبی شده خرم

۶- برای آشنایی با سبک معماری و تزئینات مسجد-مدرسه سردار، رک: حاج سیدجوادی، فریبرز
(۱۳۷۸) «مسجد-مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، انتشارات
دانشگاه هنر، صص ۸۱-۱۱۳.

۷- میرزا کاظم قزوینی از خوشنویسان بنام (کتیبه‌نویس) قزوین در عهد قاجار بوده و در همین
شهر فعالیت داشته و نباید او را با دیگر خوشنویس برجسته این دوره «میرزا کاظم» (قطعه‌نویس)
و شاگرد میرزا آغلا مرزا اصفهانی یکی بدانیم.



قدوه الحاج حاجی اسمعیل آنکه فیض اللہش شدہ رہبر
 ساخت این برکہ معظم و کرد وقف شاہ شہید تشنہ جگر
 کہ از این خیر حاجی کاظم را دہد ایزد جزای بیحد و مر
 جامی از کوثرش دہد کہ رهد از حرارت عرصہ محشر
 سال تاریخ را نوشت صفا منبعی ز آب چشمہ کوثر (۱۲۵۶ هـ ق)
 بسرکاری محمد رضا ، کتبہ میرزا کاظم قزوینی ، حجرہ استاد عابدین .



این کتیبہ درست همزمان با سلطنت محمدشاہ قاجار و حکمرانی
 بہرام میرزا (۱۲۵۶ هـ ق) بر قزوین تہیہ شدہ است .

کتیبہ ی نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمد رحیم (صفا) قزوین (۱۲۵۹ هـ ق)

این حمام کہ در افواہ مردم قزوین بہ حمام صفا^[۸] معروف بودہ و
 ہست ، در زمرہی بہترین حمامہای قاجاری از نظر معماری خاصہ بہ
 حساب می آید. بانای این حمام حاج محمد حسن ، برادر حاج محمد رحیم ،
 یکی از پنج پسر حاج عبداللہ تبریزی بودہ ، کہ در زمان فتحعلی شاہ
 قاجار از تبریز بہ قزوین مہاجرت کرد و با پسرانش در این شہر بہ کار
 و تجارت مشغول شدند. این خانوادہ کہ بعدہا بہ «امینی» معروف
 شدند ارتباط نزدیکی با دربار قاجار داشتند و خانہ ای مجلل (معروف بہ
 حسینیہ ی امینی ہا ، ۱۲۷۵ هـ ق) و موقوفات بسیاری در قزوین داشتند .
 (اکبری، ۱۱۵، ۱۳۹۱) اطلاعی از نام خوشنویس و حجار این کتیبہ در دست
 نیست ، اما عیار خط و کیفیت حجاری ممتاز است. (تصویر شماره ۵)



تصویر شماره ۴: کتیبہ ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار حاج کاظم قزوین ، کاتب: میرزا کاظم قزوینی ، ۱۲۵۶ هـ ق. (تصویر از نگارندہ)

متن کتیبہ نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمد رحیم (صفا) قزوین
 بدین شرح است:

این ہمایون طاقوین نرہت ہر ای دلپذیر / از صفایش اصفا خواندند حمام صفا
 چون شد از سعی شہ ملک فنا محو علی / ابن خیر الحاج عبداللہ تبریزی بنا
 از پی تاریخ انجامش سروش غیب گفت / اوہ چہ حمام صفا لایق بہ اخوان صفا
 (۱۲۵۹ هـ ق)



کتیبہ ی نستعلیق سنگی سردر مسجد سبز قزوین (۱۲۶۳ هـ ق)

مسجد سبز در محلہ آخوند قزوین^[۹] با وجود آن کہ مسجد کوچکی است
 و حیاط ہم ندارد ، دارای کتیبہ ممتازی بہ خط نستعلیق با اشعار فارسی
 است. بانای این مسجد حاجی یوسف قزوینی این مسجد را در سال
 ۱۲۶۳ هـ ق بنا کرد و بر اساس متن کتیبہ این بنا با کمک و تلاش حاج
 محمد رحیم (کہ چہار سال پیشتر در نزدیکی این محلہ حمامی نیز ساختم



تصویر شماره ۵: کتیبہ ی نستعلیق سنگی سردر حمام حاج محمد رحیم (صفا) قزوین ، ۱۲۵۹ هـ ق. (تصویر از نگارندہ)

۸- خوشبختانہ حمام صفا تنها حمام بازماندہ از دورہ قاجار در شہر قزوین است کہ از نمونہ ہای
 حمام دوقلو (دو حمام متصل بہم مردانہ و زنانہ) کہ معمولاً تون مشترک دارند و با شماره ۱۱۱۹
 در فہرست آثار ملی ثبت شدہ است. رک: اکبری، پریوش (۱۳۹۱) «حمام حاج محمد رحیم قزوین
 و جایگاہ آن در میان حمامہای عمومی این شہر در دورہ ی قاجار»، نامہ ی باستان شناسی، ش ۳ ،
 دورہ ۲ ، صص ۱۱۵-۱۳۲
 ۹- این محلہ را از آن جہت محلہ آخوند می نامند، زیرا در گذشتہ روی روی مسجد سبز، مکتب خانہ
 مرحوم ملا ابراہیم طالقانی دایر بودہ است. (مینودر، ۵۹۵)

بود) به پایان رسیده. متن کتیبه سردر ورودی مسجد سبز (شباهت فراوانی به کتیبه سنگی آب انبار خان داشته و احتمالاً اثر ملک محمد قزوینی است) بدین شرح است:

مورد الطاف یزدان آنکه شد

سعی در خیرات داند مغتنم

حاجی یوسف بانی آثار خیر

آنکه دین را پیروی ثابت قدم

زاهتمام حضرت حاجی رحیم

وزیبی کسب فیوض دمبدم

این بنا بنهاد و تاربخش صفا

بانی بیت الحراری زد رقم (۱۲۶۳ هق)

کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان (مسجد-مدرسه مولاویردیخان) قزوین (۱۲۸۵ هق)

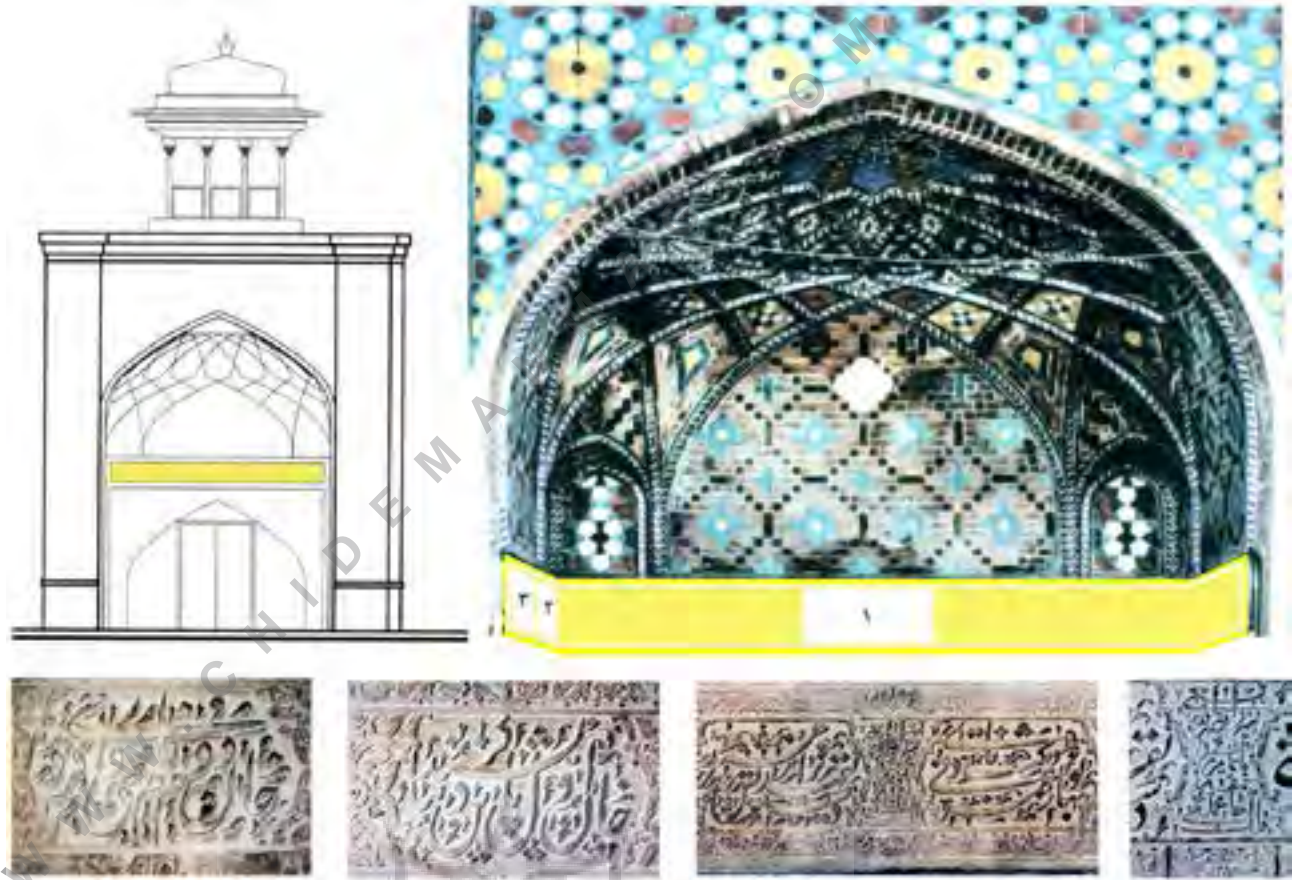
قزوین به دلیل دارا بودن دهها آب انبار با معماری شکفت‌انگیز (با پلان‌هایی جداگانه و متفاوت) از عهد قاجار و تزئینات هنری چشم‌گیر در ورودی‌ها و بادگیرها، به شهر آب انبارها معروف بوده است. در همین زمینه و در نزدیکی بازار قزوین (جنب مجموعه سعدالسلطنه) مسجد و مدرسه‌ای از دوره‌ی قاجار وجود دارد، که با نام بانی‌اش مرحوم مولاویردیخان (از خوانین طایفه ذوالقدر و هم‌عصر کریم‌خان) شناخته می‌شود. در جنب شمالی این مسجد در ورودی آب انبار خان (از سمت شمال و شرق) وجود دارد که دارای طاق آجرکاری و کتیبه‌ای سنگی به قلم نستعلیق یکی از نوابغ خوشنویسی ایران «ملک محمد قزوینی» است. (تصویر شماره ۶)

ملک محمد هنرمندی نوگرا بود که قالب‌های متداول خوشنویسی همچون سیاه‌مشق و چلیپا را کنار گذارد و آثار ابتکاری جدیدی خلق کرد. نوآوری او از این جهت ارزشمند است که ریشه در سنت‌ها و اصالت‌های هنر خوشنویسی ایرانی-اسلامی دارد و از تقلید کورکورانه و بدون هویت به دور است. (نورمحمدی، ۱۳۹۵، ۱۱) وی علاوه بر خطوط تزئینی، دستی قوی در کتیبه نویسی و نوشتن خطوط جلی داشت.



تصویر شماره ۶: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین، کاتب: ملک محمد قزوینی، ۱۲۸۵ هق (تصویر از نگارنده)





تصویر شماره ۷: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین، به خط ملک محمد قزوینی. (تصویر از نگارنده)

سبک‌شناسی و ویژگی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین هنر کتیبه‌نگاری در ایران به ویژه در سردر مساجد و مدارس- ارزشمندترین نمود هنر مقدس است، که ریشه در عرفان اسلامی دارد. اما ترکیب نقوش تجریدی و کتیبه‌های خوشنویسی موجود در کتیبه‌های سنگی بناهای قزوین علاوه بر هماهنگی با جوه عرفانی، تاریخی و هنری کاربردی دیگر نیز داشت و آن پوششی زیبا و ماندگار بود.

سبک‌شناسی کتیبه‌های نستعلیق سنگی سردر بناهای قزوین از نظر انواع ترکیب‌بندی خط، چیدمان کلمات و حروف، سطر بندی و کتابت بر روی کرسی‌های موازی دارای ویژگی‌های بصری و هنری فراوانی است. شیوه‌ی ممتاز خوشنویسی این کتیبه‌ها در مقایسه با نمونه‌های هم‌زمان در دیگر شهرها، نمایانگر وجود الگوی استاندارد و هماهنگی از خوشنویسی نستعلیق قاجاری در قلم کتیبه است. هر چند عیار بالای خط و اجرای حجاری در کتیبه‌های نستعلیق قزوین، فاصله زیادی با کتیبه‌های نستعلیق کاشی هفت‌رنگ این دوران در قزوین و دیگر شهرها دارد.

توجه به این مسأله نیز خالی از لطف نیست که همواره بخش زیادی از کیفیت خط در انتقال (گرته برداری) بر روی سنگ یا کاشی افت می‌کند و بسته به مهارت استاد کاشیکار یا حجار، ساختار و شالوده خطوط (به خصوص نستعلیق) دچار نقصان و دفورماسیون می‌شود، پس در مواردی که عیار خط کتیبه (اتصالات، تندی و کندی حروف) تغییر زیادی نداشته و کتیبه به بهترین شکل ممکن اجرا شده، این گونه استنباط می‌گردد که استاد کاشیکار یا حجار متبحر، احتمالاً تحت نظارت خود

اما علاوه بر اهمیت خوشنویس و شیوه‌ی کتیبه‌نگاری این اثر کم‌نظیر، وجود دو ماده تاریخ در این کتیبه موضوعی جالب توجه است. صاحب کتاب مینورد در توضیح علت وجود دو تاریخ در کتیبه (با استناد به متن شعر) این چنین می‌نویسد: «آب‌گیری را که مولاوردیخان در سال ۱۱۷۷ هـ.ق بنا کرد ولی چنین به نظر می‌رسد خللی بدان راه یافت که عمر بانی‌اش کفاف نداد تا به مرمت آن پردازد. پس هفتاد و چهار سال بعد، یکی از نوادگان بانی [میرزا نصرالله‌خان معین‌الرعا] که خان طایفه هم بود، به سال ۱۲۵۱ هـ.ق موفق برفع نواقص این آب‌انبار می‌شود.» به همین خاطر کتیبه دارای دو ماده تاریخ است. (تصویر شماره ۷)

متن کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر آب انبار خان قزوین بدین شرح است:

خان گردون قدر مولاوردیخان آنکه زحسن راه حق را کرد طی کند از بن ظلم را بنیاد کرد کعبه دین منبع زمزم زپی ساخت آب انبار چون آب حیات آب او از لطف سازد مرده حی پس در ارکانش خلل چون راه یافت نوبهار عمر بانی گشت طی دست تقدیر از پس جد بر کشید قرعه تعمیر برنام نبی پس سمی خان حسبت جایگاه بست همت در پی تعمیر وی از دو مصرع خواسته تاریخشان سروری کز جام معنی خورده می خان اول پای از این دنیا کشید (۱۱۱۷ هـ.ق) / خان دوم نام وی کردند حی (۱۲۵۱ هـ.ق) بسم الله الرحمن الرحیم، بسعی میرزا نصرالله باتمام رسید، نمقه حاج ملک محمد، علی مرتضی حجار ۱۲۸۵ هـ.ق.



تصویر شماره ۸: مقایسه ترکیب بندی حروف کشیده، منحنی و چیدمان کلمات در سیاه مشق و کتیبه نگاری به خط ملک محمد قزوینی

نگاهی به سبک کتیبه نگاری «ملک محمد قزوینی» در قلم نستعلیق به طور معمول در سیر تحولات قلم نستعلیق، گروهی از خوشنویسان را به واسطه‌ی معیارهای زیبایی‌شناسی خطشان، قله یا به کمال رساننده این خط قلمداد می‌کنند. البته تعریف کمال در هنر خوشنویسی بسیار مناقشه برانگیز است، زیرا پدیده‌های هنری چون خوشنویسی در طی زمان، مراحل کمال را می‌پیمایند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۲) از طرفی به نظر می‌رسد در تحلیل‌های تاریخی و هنری اقلام خوشنویسی به خصوص نستعلیق ایرانی- نباید در جستجوی مبدع و واضع باشیم، چراکه شکل‌گیری و تکامل این خطوط و تحولات اساسی در آن‌ها دستاورد گروهی از استادان خوشنویسی و در ادامه‌ی تلاش شیوه‌استاد-شاگردی در طول چند دهه یا سده اتفاق افتاده است. پس با نگاهی به تاریخ خوشنویسی ایران از آغاز دوره‌ی قاجار تا میانه‌ی عهد ناصری و به سبب خلاقیت و توانمندی برخی چهره‌ها، که کاتب صرف نبودند و جنبه‌ی پژوهندگی و هنرمند بودن آن‌ها بر کاتب بودنشان برتری داشت، می‌توانیم شکل‌گیری اندیشه‌های نو در کار خوشنویسی ایرانی و رسیدن به روایت‌های تازه بصری و گرافیکی -در عین پاکیزه‌نویسی و اجرایی با کیفیت بالا- از خط نستعلیق را مطالعه کنیم.

لازم به یادآوریست که شیوه و روش خوشنویسی با قلم کتابت (قلم مشقی) همواره متفاوت با قلم کتیبه بوده، به همین دلیل برخی کاتبان که در قلم کتابت چیره‌دست بودند الزاماً کتیبه‌نویسان موفق نشدند. از طرفی با توجه به محدودیت‌های به‌کارگیری خط نستعلیق در کتیبه‌نویسی (دشواری در هماهنگ کردن منحنی‌های حروف با ساختار هندسی در معماری) کتیبه‌های نستعلیق برخلاف کتیبه‌های ثلث عموماً به شکل نوار باریکی بودند که اگر در ارتفاع بالا نصب می‌شدند، از

خوشنویس یا با هماهنگی نزدیک، روند انتقال و گرده برداری خط را بر روی کاشی یا سنگ انجام داده و کتیبه‌های سنگی قزوینی از این حیث عیار ممتازی دارند.^[۱۰]

در بررسی کتیبه‌های سنگی نستعلیق سردر بناهای قزوین، مشخص می‌شود که متن کلیه این آثار اشعار فارسی و محتوای آن‌ها درباره‌ی اهمیت ساخت یا بازسازی بناها، نام بانیان و سازندگان، ماده تاریخ و در مواردی هم نام خوشنویس و حجار بوده است. جنس کتیبه‌های سنگی قزوین همگی از مرمر سفید و در مواردی روی متن خط رنگ‌آمیزی (مشکی یا آبی) نیز شده است.

عمده کتیبه‌های سنگی نستعلیق بناهای قزوین به سفارش شاهان قاجار، صاحب منصبان سیاسی و تجار ساکن قزوین تهیه شده بودند. در دوره‌ی قاجار درباریان و رجال سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به حکومتشان و نزدیک‌تر شدن به علما، بازاریان و مردم اقدام به احداث یا تعمیر بناهای عمومی (همچون مسجد، مدرسه، بیمارستان، حمام و آب‌انبار) می‌کردند و بخشی از دارایی‌شان را صرف امور خیریه می‌کردند. آن چنان که برخی از این بناهای عام‌المنفعه (مانند آب‌انبار) نقشی مهم در زندگی اقتصادی مردم قزوین (به‌خصوص در دوران قحطی و خشکسالی ۱۲۸۸ و ۱۳۳۸ هـ.ق) بازی می‌کردند و در میان مردم جایگاه ویژه‌ای نیز داشتند و شاید به همین دلیل بانیان و سازندگان این بناها با درک اهمیت موضوع و در پی ثبت و ماندگار کردن نامشان (و کسب احترام از سوی جامعه) بهترین خوشنویسان و حجاران استخدام می‌کردند تا کتیبه‌هایی یادمانی و وقف‌نامه راتهییه کنند.

۱۰- هر چند به‌نظر می‌رسد در مورد سنگ، همان‌گونه که امروز نیز مرسوم است، گاهی خوشنویسان مستقیماً با مرکب بر روی سنگ می‌نوشتند و بعد حجار آن را بر سنگ می‌تراشید، پس به همین جهت عیار کلی خط و کیفیت اتصالات و مفردات کتیبه‌های سنگی بالاست.





تصویر شماره ۹: مقایسه ترکیب کلمات با نقوش تزئینی (اسلمی، گل و شرفه اندازی) در قطعه نویسی و کتیبه نگاری به خط ملک محمد قزوینی.

ساختار و هندسه خط نستعلیق بود و پس از او نیز همین روش در کار میرزا عموقابل پیگیریست.

در همین راستا، به نظر می‌رسد با توجه به گسترش استفاده از قلم نستعلیق در کتیبه نویسی دوره قاجار و ضعف کتیبه نویسی به خط ثلث در این دوره، تفاوت قلم کتیبه با نستعلیق قلمی، بیشتر در جهت هماهنگی با ساختار کتیبه به عنوان عنصری تزئینی در معماری است.

(هاشمی نژاد، ۱۳۸۰، ۱۳۹۳)

۳- سبک سوم که در ادامه‌ی سبک دوم و با توجه به اقتباس از سبک مهنر نویسی حکاکان شکل گرفت، مبتنی بر چیدمان حروف و کلمات به صورت ترکیبی کاملاً آزاد و گاهی ناخوانا (دشوار برای مخاطب ناآشنا به ترکیب بندی در مهرها) در قالب‌های مستطیل شکل (بازوبندی) است و تفاوت عمده آن با دو سبک قبلی، ساختار گرافیکی و هنری تر در آنست که در آن توجه به خوانش متن و محتوا در سایه‌ی تزئین و رسیدن به یک ترکیب متناسب (بین خط و فضای زمینه) نادیده گرفته می‌شود؛ بهترین نمونه این سبک کار در مجموعه کتیبه‌های نستعلیق بازمانده از دوره قاجار در کتیبه‌های سنگی سردر آب انبار خان و مسجد سبز قزوین (به قلم ملک محمد قزوینی) است.

اما برای شناخت بهتر سبک ملک محمد در کتیبه نویسی، می‌بایست نگاهی به قطعات خوشنویسی بازمانده از وی بیاندازیم. چراکه ملک محمد، به عنوان یکی از پیشگامان نقاشی خط، نوآوری‌ها و ترکیبات بدیعی را در قطعات خوشنویسی اش ارائه کرده که تا به امروز کمتر شناخته و تجزیه و تحلیل شده است. این تفاوت که گاهی به غلط ضعف خوشنویس قلمداد می‌شود، در خلاقیت وی در استفاده به هنگام از ترکیبات و اتصالات سه خط (کوفی، ثلث و نستعلیق) و همینطور نقطه گذاری به فرم دایره به جای مربع است. در این روش ملک محمد آزادانه و بدون توجه به قالب‌های استاندارد نستعلیق نویسی، شکل و

Goudarzi, S. (2013) "The visual Interpretation of Nastaliq in Architecture: Mirza Gholam Reza's Monumental Inscriptions for the Sepahsalar Mosque in Tehran", in: Calligraphy and Architecture in the Muslim World, Ed. M.Gharipour & I.Cemil Schick, Edinburgh University Press, 346-359.

فاصله چند متری (به دلیل پرسپکتیو) به سختی خوانده می‌شدند. در همین راستا و در بررسی تحولات سبک شناسی کتیبه‌های نستعلیق دوره قاجار سه سبک اصلی قابل شناسایی است:

۱- سبک کتیبه نویسی نستعلیق با ترکیب بندی و شیوه‌ی کتابت (سطرنویسی) و بر روی یک گرسی استوار بود و متن کتیبه با اسلوب معمول خوشنویسی در نگارش کتب و قطعات با قلمی درشت تر انجام می‌شد و معمولاً کتیبه‌های نستعلیق به صورت نوارهای باریک نوشته و در بسیاری موارد (به خصوص در شبه قاره و عثمانی) با بزرگ شدن خط ساختار و انسجام بین حروف و کلمات دچار از هم گسیختگی شده و عیار خط افت می‌کرد؛ نمونه‌های این سبک کتیبه نویسی در کتیبه‌های متعدد بازمانده از روزگار فتحعلی شاه در بناهای مختلف ایران قابل مشاهده است.

۲- سبک دوم که دارای ویژگی‌های گرافیکی و ترکیب بندی چشم نوازتری بود، در ادامه پیشرفت خوشنویسی نستعلیق در جهت رهانویسی و قدرت قلم در حرکات بی‌پروا و بداهه و به خصوص گنده نویسی توسعه یافت، که قدری هندسه خط (و مختصات حروف و اتصالات) را نیز دستخوش تغییرات کرد. در خط نستعلیق ساختار حروف مبتنی بر منحنی استوار است و در این سبک، خوشنویسان با چیدمان حروف و کلمات بر روی دو یا سه گرسی موازی فرعی و تغییر در اندازه برخی دوایر (چون س، ش، ص، ض، ل، ن، ی) نسبت به قلم کتابت (در قطعات) و گاهی کوچک کردن اندازه‌ی نقطه‌ها بنا به اقتضای متن و فضای منفی ایجاد شده بین کلمات، روایت متفاوت تری نسبت به روش نخست، هم به صورت نوار باریک و هم به صورت کتیبه‌های بازوبندی ارائه دادند؛ موفق ترین نمونه از این سبک کتیبه نویسی را می‌توان در کتیبه‌های مسجد-مدرسه سپهسالار تهران (به عنوان اولین مسجدی که خط اصلی کتیبه‌هایش نستعلیق بوده) به قلم میرزا غلامرضا اصفهانی مشاهده کرد^{۱۱} که ماحصل مطالعه و شناخت دقیق میرزا غلامرضا از

۱۱- برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی سبک کار میرزا غلامرضا اصفهانی در کتیبه‌های نستعلیق مسجد-مدرسه‌ی سپهسالار، رجوع کنید به پژوهش سینا گودرزی با عنوان «ترجمه‌ی بصری کتیبه‌های نستعلیق میرزا غلامرضا در مسجد سپهسالار تهران»:



برخی کادرم سنگی سردر مسجد سبز قزوین
برمال علاج علوم انسانی



تصویر شماره ۱۰: کتیبه‌ی نستعلیق سنگی سردر مسجد سبز قزوین، کاتب: احتمالاً ملک محمد قزوینی، ۱۳۶۳ هجری



- ۱- اکبری، پریوش (۱۳۸۹)، بررسی باستان‌شناختی حمام‌های قاجاری قزوین و نقش آن‌ها در حیات اجتماعی شهر در این دوره، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
- ۲- (۱۳۹۱)، «حمام حاج محمد رحیم قزوین و جایگاه آن در میان حمام‌های عمومی این شهر در دوره قاجار»، نامه‌ی باستان‌شناسی، ش ۳، دوره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۱.
- ۳- بهپور، باوند (۱۳۸۴)، «کتیبه‌نگاری دوره قاجار»، مجله‌ی هنرهای زیبا، ش ۲۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- حاج سید جواد، فربرز (۱۳۷۸)، «مسجد-مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، صص ۱۱۳-۱۳۸.
- ۵- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳)، گنجنامه، جلد هجدهم «حمام‌ها»، دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه.
- ۶- خادمیان قزوینی، شیخ‌رحیب (۱۳۷۹)، بقاع متبرک قزوین: شاهزاده حسین (ع)، انتشارات بحر العلوم.
- ۷- خلیج، رضا (۱۳۸۲)، پژوهشی در معماری آرامگاهی مذهبی شهر قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران دانشکده ادبیات.
- ۸- خمسه، فرزانه (۱۳۹۰)، «بررسی مضمونی خط‌نگارهای مسجدالنبی قزوین»، دوفصلنامه‌ی نقش‌مایه، س ۴، ش ۷، صص ۵۸۴-۵۸۵.
- ۹- دبیرساقی، محمد (۱۳۸۱)، سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن، اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین و حدیث امروز.
- ۱۰- زارعی موینی، سکینه و محمدابراهیم زارعی (۱۳۹۳)، «معماری مسجد، کتیبه‌نگاری و آرایه‌های دوره قاجار با تأکید بر مسجدالنبی قزوین»، دوفصلنامه‌ی مطالعات هنر بومی، ش ۱ و ۲، صص ۲۳-۲۹.
- ۱۱- شهیدی، یحیی (۱۳۴۹)، «حصار و دروازه‌های قزوین»، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، ش ۵، صص ۲۴-۲۵.
- ۱۲- کرلایی حسینی، ابوالفضل و عباس خاکپور (۱۳۹۴)، «بررسی نقوش و تزئینات مسجد-مدرسه‌های قزوین در دوره قاجار نمونه موردی: مسجد-مدرسه شیخ الاسلام و سردار»، اولین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه اقتصاد شهری، سیویلیکا.
- ۱۳- گلریز، محمدعلی (۱۳۶۸)، مینودریا باب‌الجنه قزوین، ج اول، انتشارات طه.
- ۱۴- عسگری، نصرالله (۱۳۸۸)، «آب‌انبار سردار بزرگ قزوین و نقش آن در زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم محله راهری سابق»، فصلنامه‌ی فرهنگ و مردم، س ۸، صص ۱۹۵-۲۰۴.
- ۱۵- محمدزاده، محمدنادر (۱۳۸۵)، یادگار ماندگار: نقشه‌بناهای تاریخی استان قزوین، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.
- ۱۶- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۴)، کتیبه‌های نستعلیق تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران و نشر پیکره.
- ۱۷- ملک‌زاده، الهام (۱۳۸۳)، «نگاهی به وضعیت امور خیریه قزوین در عصر قاجار»، گنجینه اسناد، ش ۵۵، صص ۵۸۳-۵۸۴.
- ملکی، سعیدی (۱۳۸۱)، «هنر و معماری قاجار مساجد جامع قزوین»، کتاب ماه هنر، ش ۴۵ و ۴۶، صص ۱۱۰-۱۱۷.
- ۱۸- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و دیگران (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی مسجد-مدرسه‌های دوره قاجار»، فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۱، صص ۱۵۵-۱۵۶.
- ۱۹- نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۵)، مرقع دلگشا، نشر پیکره.
- ۲۰- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۳، نشرنی.
- ۲۱- هاشمی‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار، فرهنگستان هنر.

22- Behpoor, Bavand (2013) «Reading Qajar Epigraphs: Case studies from Shiraz and Isfahan», in: Calligraphy and Architecture in the Muslim world, Ed: Gharipour, M and Irvin Cemil Schick, Edinburgh University Press.

اندازه حروف را به اقتضای ترکیب کلی اثر تغییر داده و روایت تازه‌ای از تناسب میان حروف و کلمات پیش روی مخاطب می‌گذارد. این سلیقه و زیبایی‌شناسی ملک‌محمد را علاوه بر قطعات (سطن‌نویسی و سیاه‌مشق) می‌توان در کتیبه‌نویسی وی نیز به وضوح مشاهده کرد.

پنج کتیبه سنگی باقیمانده از ملک‌محمد قزوینی عبارتند از:

- سنگ‌مزار میرزا ابوالقاسم بهشتی شیرازی (۱۲۶۴ هـ.ق) در قزوین.

- سنگ مزار شهید ثالث (۱۲۶۵ هـ.ق) در قزوین.

- کتیبه‌ی سنگی بقعه‌ی خواهر امام^{۱۱۱} (۱۲۷۲ هـ.ق) در رشت.

- کتیبه‌ی آب‌انبار (مسجد مدرسه مولاویردی خان) خان (۱۲۸۵ هـ.ق) در قزوین.

- احتمالاً کتیبه‌ی سردر مسجد سبز (۱۲۶۳ هـ.ق) در قزوین.

در هر چهار کتیبه سنگی ملک‌محمد در قزوین، هنرمند همان شیوه‌ی نستعلیق نویسی مختص خود با ترکیب‌بندی و دستمایه‌های نقاشی خط و خطوط تزئینی‌اش را تکرار کرده (تصویر شماره ۸). ترکیبی مشابه خطوط نستعلیق در مهربای قاجاری- و اطراف خط را نیز با نیش قلم تزئین کرده (نقوش اسلیمی، گل و شرفه‌اندازی) که عیناً توسط حجار نیز اجرا شده (تصویر شماره ۹). رقم وی در این آثار به ترتیب تاریخی «نمقه ملک محمد بی‌قدر»، «کتبه ملک‌محمد قزوینی غفر الله ذنوبه» و «نمقه حاج ملک‌محمد» است و کتیبه‌ی مسجد سبز فاقد رقم کاتب.

انسجام و صلابت خط ملک‌محمد در این کتیبه‌ها و عیار بالای خط با دیگر نمونه‌های موجود در کتیبه‌های قزوین قابل مقایسه نیست و تنها مورد مشابه (به لحاظ عیار خط و کیفیت در حجاری) کتیبه سنگی آب‌انبار حاج کاظم است. شیوه‌ی خوشنویسی ملک‌محمد در قطعه‌نویسی که پس از او توسط دو تن از شاگردانش به نام‌های «میرزا عبدالحسین طبیب قزوینی» و «محمدطاهر قزوینی» ادامه یافت، به دست دیگر خوشنویس برجسته قاجار «مشکین قلم اصفهانی» به اوج شکوفایی و تکامل خود رسید و منبعی گردید برای نقاشی خط معاصر ایران. اما سبک کتیبه‌نویسی این نابغه‌ی خوشنویسی پس از او هیچگاه تکرار نشد. ■

۱۲- کتیبه‌ی سنگی متعلق به دوره ناصرالدین‌شاه با موضوع معافیت مالیاتی نانوایان (ستوده، ج ۲۹۶، ۱۳۴۹، ۱) با‌ماده تاریخ ۱۲۷۲ هـ.ق و رقم ملک‌محمد قزوینی، نمونه‌ی ارزشمندی از کار کتیبه‌نگاری این هنرمند است. گفتنی است رقم ملک‌محمد در این اثر نخستین بار توسط استاد احمد ابوطالبیان شناسایی و به‌نگارنده معرفی شده و اهمیت آن در ماده تاریخش است، چراکه نویسنده مرقع دلگشا به اشتباه باور دارد: «تا کنون اثری از ملک‌محمد که تاریخی بین سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۲۸۵ هجری داشته باشد دیده نشده است» (نورمحمدی، ۱۳، ۱۳۹۵).